

(مقاله پژوهشی)

عوامل مؤثر بر جرم مالی در ایران با تأکید بر ادوار تجاری و آسیب‌های اجتماعی

حسن درگاهی^{*۱}

امین بیرانوند^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

چکیده

داده‌های جرم در ایران، به‌ویژه جرائم مالی، از انتهای دهه ۸۰ دارای روند افزایشی است. هدف این پژوهش تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جرم، بر مبنای نظریه‌های انتخاب عقلایی و ساختار اجتماعی است. با توجه به محدودیت داده، به جرم سرقت به‌عنوان یکی از اشکال مهم جرائم مالی پرداخته می‌شود. تفاوت مهم پژوهش حاضر با مطالعات تجربی گذشته، بررسی اثر متغیرهای اجتماعی از جمله نرخ‌های شیوع اعتیاد، طلاق و آموزش و همچنین منظور کردن اثر ادوار تجاری و مخارج دولت بر شاخص جرم است. روش داده‌های ترکیبی استانی در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۴ برای برآورد الگوی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نرخ سرقت با متغیرهای اقتصادی همچون درآمد سرانه رابطه منفی و معنادار و با تورم و فقر و بیکاری جوانان رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین رفتار مخالف چرخه‌ای سرقت در کشور تأیید می‌گردد. از یافته‌های دیگر پژوهش، رابطه منفی و معنادار نرخ سرقت با نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است. همچنین رابطه منفی شاخص ترکیبی نرخ بیکاری و آموزش نشان‌دهنده اثر غالب آموزش نسبت به بیکاری در بحث جرائم است. نتایج پژوهش رابطه مثبت و معنادار نرخ شیوع اعتیاد و نرخ طلاق را با سرقت تأیید می‌کند. اعتیاد منجر به کاهش فرصت مشارکت در بازار کار قانونی شده و طلاق می‌تواند آثار اجتماعی و روانی شدید در برداشته باشد.

کلید واژه‌ها: جرم بر علیه اموال، سرقت، ادوار تجاری، اعتیاد، طلاق.

طبقه‌بندی JEL: J11, J64, K11, E32, E24, K42.

Email: h-dargahi@sbu.ac.i

Email: beiranvand.amin@gmail.com

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی

۱. مقدمه

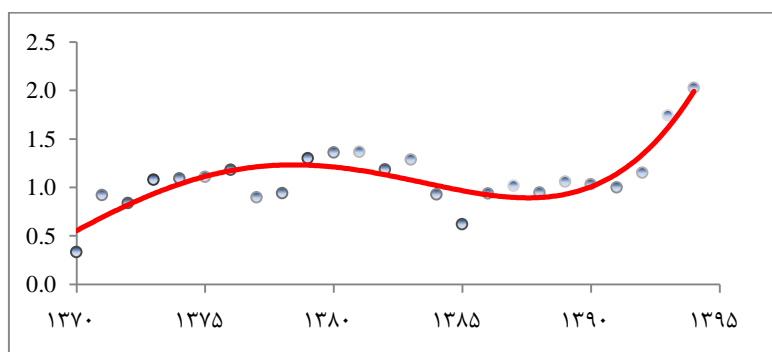
زندگی اجتماعی بر اساس حاکمیت قواعد یا هنجارهای اجتماعی معنا پیدا می‌کند. هنجارها به عرف، آداب و رسوم و قانون طبقه‌بندی می‌شوند. جرم به آن دسته از اعمال اشاره دارد که با توجه به هنجارهای اجتماعی، به منزله اعمال انحرافی یا ضد اجتماعی تعیین و ارزیابی شده و مجازات به دنبال دارد (کلاینارد و میر،^۱ ۲۰۰۸). سخن گفتن درباره هزینه‌بر بودن جرم و جنایات برای اجتماع نیاز به تحقیق و پژوهش نداشته و همگان بر هزینه‌های اجتماعی آن تأکید دارند (چالفین^۲، ۲۰۱۵). ارتکاب به جرائم همراه با قانون شکنی و از بین بردن امنیت و آسایش شهروندان، ریسک فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و هزینه‌های زندگی را افزایش داده که نتیجه آن کاهش سطح رفاه اجتماعی است. فعالیت مجرمانه از یک سو منجر به مصرف کالاها و خدمات غیرقانونی شده و از سوی دیگر، هزینه‌های گزافی به بخش عمومی و خصوصی تحمیل می‌کند (دتوتو و اوترانتو^۳، ۲۰۱۰). برآورد چنین هزینه‌های اجتماعی در چند دهه اخیر به یک حوزه مهم تحقیقاتی تبدیل شده است (کزابنسکی^۴، ۲۰۰۸).

گسترش فعالیت مجرمانه، دولت‌ها را ناگزیر به توسعه کمی و کیفی نهادهای مبارزه با جرائم جهت برقراری نظم و امنیت و تأمین حقوق شهروندان می‌کند که هزینه‌های سنگینی برای دولت به همراه خواهد داشت (بهمنی، میرمحمدتبار، ۱۳۹۴). با توجه به محدودیت منابع دولت، هزینه‌های کنترل جرائم به نوعی جایگزین هزینه‌های آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، هزینه‌های بهداشت عمومی و دیگر وظایف عمومی خواهد شد. در واقع، با افزایش هزینه‌های مبارزه با جرائم در جامعه، نحوه تخصیص منابع و امکانات اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که با رشد این هزینه‌ها، منابع کمتری برای سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی و فیزیکی در اختیار دولت قرار می‌گیرد. علاوه بر هزینه‌های فعالیت مجرمانه برای بخش عمومی، هزینه‌های خصوصی جرائم نیز می‌تواند زیاد باشد (چالفین، ۲۰۱۵).

اگرچه کمتر مطالعه‌ای در ایران به برآورد هزینه جرم پرداخته است لیکن می‌توان انتظار داشت که رقم قابل توجهی از تولید ناخالصی داخلی صرف مبارزه و جبران خسارت‌های ناشی از وقوع جرائم می‌شود که این موضوع به طور مستقیم و غیرمستقیم بر سطح سرمایه‌گذاری در کشور اثرگذار است. موضوع آسیب‌ها و هزینه‌های جرم در ایران با مراجعه به آمار رسمی منتشر شده در حوزه ارتکاب به جرائم بیشتر جلوه می‌کند. آمارهای جرم در ایران حاکی از روند صعودی جرائم در طی سالیان اخیر دارد. نمودار (۱) نسبت تعداد پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی برای جرائم خشن، شامل قتل عمد، ضرب و جرح، تهدید و مسموم کردن عمدی، در هر هزار نفر جمعیت و روند آن

-
1. Clinard and Meier
 2. Chalfin
 3. Detotto and Otranto
 4. Czabanski

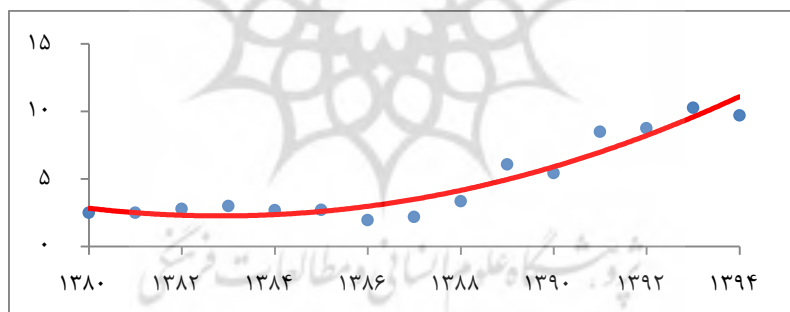
را در کشور از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود این نسبت روندی صعودی داشته و از سال نیز ۱۳۹۰ شیب تندی به خود گرفته است.



نمودار ۱: تعداد پرونده‌های تشکیل شده برای جرائم خشن در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت

منبع: مرکز آمار

در ارتباط با جرائم مالی نیز نمودار (۲) آمار نسبت مجموع سرقت‌های انجام شده در هر هزار نفر جمعیت و روند آن را در کشور از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۴ نمایش می‌دهد. همان‌طور که نمودار به‌روشنی نشان می‌دهد سرقت هم در کشور از انتهای دهه ۸۰ روندی صعودی داشته است.



نمودار ۲: تعداد سرقت در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت

منبع: مرکز آمار

پیشگیری و مبارزه مناسب با وقوع جرم همانند سایر آسیب‌های اجتماعی در گام اول نیازمند شناسایی عوامل ایجاد آسیب است. نظریه‌های مختلف به بیان علل گسترش ارتکاب جرائم در جامعه پرداخته‌اند. سیگل^۱ (۲۰۱۱) تقسیم‌بندی جامعی از این نظریه‌ها ارائه می‌کند، وی پنج رویکرد را در تبیین جرائم مهم می‌داند که عبارتند از: رویکرد انتخاب عقلایی^۲؛ رویکرد زیستی^۳؛ رویکرد ساختار

1. Siegel
2. Rational Choice Perspective
3. Trait Perspective

اجتماعی^۱؛ رویکرد فرآیندهای اجتماعی^۲ و رویکرد انتقادی^۳. با توجه به رویکردهای تبیین‌کننده که توسط سیگل ارائه شده است، اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برای تبیین جرم برخوردار است؛ زیرا در اکثر رویکردها به روشنی بر عوامل اقتصادی (اعم از خرد و کلان) تأکید شده است. محاسبه هزینه - فایده برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه در افراد در قالب نظریه‌های انتخاب عقلایی، نشان‌دهنده استفاده از مباحث اقتصاد خرد در جرم‌شناسی است. تأثیر عوامل ساختاری اقتصاد، مانند فقر، بیکاری، تورم و طبقه اجتماعی بر جرم، جزء مباحث اقتصاد کلان قرار دارد (بهمنی، میرمحمدتبار، ۱۳۹۴). علیرغم وجود محدودیت در داده‌های مربوط به انواع ارتکاب جرائم مختلف در کشور، این پژوهش تلاش دارد به بررسی اثر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر سرقت، به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم جرم مالی بپردازد. در این راستا روش داده‌های ترکیبی استانی در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۴ مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین سؤالات پژوهش به شرح زیر است:

(الف) آیا متغیرهای اقتصادی بر جرم در ایران اثر معنادار دارد؟

(ب) نحوه اثرگذاری ادوار تجاری بر ارتکاب به جرم در کشور چگونه است؟

(ب) ارتباط متغیرهای اجتماعی از جمله آموزش، اعتیاد و طلاق با جرم چگونه است؟

در ادامه، بخش دوم مقاله به مبانی نظری جرم از دیدگاه اقتصادی می‌پردازد. در بخش سوم، نتایج مطالعات تجربی در دو بخش داخلی و خارجی مرور شده است. در بخش چهارم، الگوی پژوهش تصریح شده و نتایج برآوردهای انجام شده ارائه می‌گردد و بخش پنجم نیز به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۲. مبانی نظری جرم

۲-۱. رویکرد انتخاب عقلایی

نظریه‌های رفتار مجرمانه کم‌وبیش بر پایه فرض انتخاب عقلایی ارائه شده توسط بکاریا^۴ و بنتام^۵ استوارند. بنتام (۱۸۴۳) عقیده دارد که "منفعت جرم نیرویی است که انسان را ترغیب به ارتکاب جرم می‌کند و رنج مجازات نیرویی است که برای جلوگیری از آن به کار گرفته می‌شود. اگر نیروی اول قوی‌تر باشد، جرم به وقوع می‌پیوندد و اگر نیروی دوم قوی‌تر باشد جرم حادث نمی‌شود". از ابتدای قرن بیستم، جذابیت این دیدگاه رو به افول نهاد و بسیاری از نظریه‌های دیگر تو سعه یافتند؛ با این

-
1. Social Structure Perspective
 2. Social Process Perspective
 3. Critical Perspective
 4. Beccaria
 5. Bentham

وجود ایده بنیاد در مقاله جرم و مجازات بکر^۱ (۱۹۶۸)، حیات دوباره یافت (اید، روبین و شپرد^۲، ۲۰۰۶). بکر در این مقاله تأکید دارد که "یک نظریه مفید رفتار مجرمانه می‌تواند با نظریه‌های خاصی از بی‌هنجاری^۳، نارسایی‌های روان‌شناختی^۴ و یا وراثت برخی ویژگی‌های خاص تطبیق یافته و به‌آسانی تجزیه و تحلیل متداول انتخاب اقتصاددان را گسترش دهد". در الگوی مطلوبیت مورد انتظار رفتار مجرمانه بکر عرضه تجمعی جرم به سرمایه‌گذاری اجتماعی در حوزه پلیس، زندان و فرصت‌های کار-بازاری که هزینه فرصت نسبی فعالیت‌های غیرقانونی را بالا می‌برد بستگی دارد (چالفین و مک‌کراری^۵، ۲۰۱۷). در این چارچوب فرد عقلایی در تصمیم برای ارتکاب به جرم به مقایسه بازده انتظاری از جرم با بازده از فرصت بازار قانونی می‌پردازد و بر همین مبنا افراد تصمیم می‌گیرند که کدام فعالیت را انتخاب کنند. این تصمیم براساس تحلیل هزینه فایده است.

نظریه انتخاب عقلایی منتقدان فراوانی داشته و تأکید دارند که در این رویکرد تصور می‌شود که فرد مسیری را انتخاب می‌کند که بهترین ترجیحات را برآورده می‌کند؛ حال آنکه ترجیحات نه تنها شامل خواسته‌های فرد است بلکه هنجارهای الزام‌آور و غیرالزام‌آور را نیز در برمی‌گیرد. در نظریه‌های اقتصاد جرم، هنجارها به‌ندرت مورد مطالعه قرار می‌گیرند و یا حتی ذکر می‌شوند. ترجیحات به‌طور کلی معمولاً ثابت تصور می‌شود و اندیشمندان آن را ضروری نمی‌دانند و یا احساس صلاحیت نمی‌کنند تا در مورد هنجارها بحث کنند. این در حالی است که نظریه‌های جرم‌شناسانه سنتی نشان می‌دهند که محیط فردی تأثیر قابل‌توجهی بر ترجیحات افراد، به‌ویژه در مورد هنجارهای فردی دارد. همچنین نظریه‌های مربوط به تعرضات فرهنگی، انحراف فرهنگی، بی‌نظمی و یادگیری، ترجیحات فردی را به ویژگی‌های مختلف جامعه مرتبط می‌کنند. نظریه‌های دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد ترجیحات تغییر می‌کنند و یا وابسته به سن، جنس، نژاد، هوش و دیگر خصوصیات شخصی هستند (اید، روبین و شپرد^۶، ۲۰۰۶).

۲-۲. رویکرد ساختار اجتماعی

الف) نظریه‌های بی‌هنجاری - فشار

نظریات بی‌هنجاری - فشار، تراکم جرم در بین گروه‌های طبقه پایین را توضیح می‌دهد. این نظریه شدیداً متکی بر کارهای دورکیم^۷، است (اگرس و سلرز^۸، ۲۰۰۹). دورکیم از اصطلاح بی‌هنجاری^۹

1. Becker
2. Eide, Rubin & Shepherd
3. Anomie
4. Psychological Inadequacies
5. Chalfin and McCrary
6. Eide, Rubin & Shepherd,
7. Durkheim
8. Ackres and Sellers
9. Anomie

برای اشاره به وضعیت بی‌قاعدگی یا فقدان مقررات اجتماعی در جامعه مدرن استفاده می‌کند. مرتون^۱ (۱۹۳۸؛ ۱۹۵۷) این رویکرد دورکیمی را برای وضعیت جوامع صنعتی مدرن، خصوصاً در آمریکا تبیین می‌کند. از نظر مرتون، یک جامعه منسجم، بین ساختار و فرهنگ توازن برقرار می‌کند. بی‌هنجاری، نوعی عدم انسجام جامعه است که بر اثر عدم تعادل بین اهداف فرهنگی ارزشمند و وسیله‌های اجتماعی مشروع برای نیل به آن اهداف ایجاد می‌شود. مرتون تأکید دارد که نوآوری شایع‌ترین پاسخ مجرمانه است. فرد به اهداف موفقیت متعهد باقی می‌ماند، ولی از وسیله‌های نامشروع برای نیل به آن‌ها استفاده می‌کند. اکثر جرائم و بزهکاری‌ها، خصوصاً جرائم درآمدزا، در این نحوه‌ی سازگار قرار می‌گیرند؛ بنابراین، نرخ بالای جنایت در طبقه پایین، براساس موقعیت آن در جامعه توضیح داده می‌شود که آن را در معرض سطح بالای فشار ناشی از بی‌هنجاری قرار می‌دهد. این فشار بر اثر عدم تعادل بین رؤیای برابری جامعه و موفقیت برای همه از یک سو و نابرابری حقیقی در توزیع فرصت‌ها از سوی دیگر ایجاد می‌شود. این نابرابری برای اعضای طبقه پایین اجتماعی، محرومان و گروه‌های اقلیت بیشترین شدت را دارد.

کوهن^۲ (۱۹۹۵) به پیروی از مرتون، بر منابع ساختاری فشار که منجر به اعمال مجرمانه توسط طبقه پایین می‌شوند، تأکید داشته و اهداف ممانعت شده را عامل ایجاد فشار و در نتیجه ارتکاب جرم می‌داند، اما از دیدگاه کوهن، به‌جای ناتوانی در نیل به موفقیت مادی، ناتوانی در به‌دست آوردن موقعیت و پذیرش در جامعه متعارف است که موجب فشار می‌شود و خرده‌فرهنگ بزهکار، یک پاسخ جمعی به این سرخوردگی است. در گروه‌های بزهکار با رعایت ارزش‌های بدخواهانه و منفی‌گرایانه به‌جای استانداردهای متعارف، موقعیت به‌دست می‌آید.

ب) نظریه عمومی فشار آگنیو برای جرم و بزهکاری

آگنیو^۳ از یک دیدگاه اجتماعی-روانی سطح خرد استفاده می‌کند. او در درجه اول، مفهوم فشار را فراتر از آنچه که بر اثر اختلاف بین انتظار و آرزو ایجاد می‌شود، بسط می‌دهد تا چندین منبع تنش یا فشار را در بر بگیرد. بنا به نظریه آگنیو، جرم نوعی سازگاری با تنش، صرف‌نظر از منبع آن تنش است. او سه نوع محرک رفتار مجرمانه را شناسایی می‌کند: عدم نیل به اهداف فردی؛ حذف محرک‌های مثبت یا مطلوب از فرد و مواجهه فرد با محرک‌های منفی؛ بنابراین نظریه‌ی آگنیو نسبت به نظریه سنتی فشار، پیشرفت قابل‌توجهی تلقی می‌شود. از آنجاکه فشارهای مختلف به وسیله افراد در هر طبقه یا نژادی تجربه می‌شود، لذا نیازی نیست نظریه فشار فقط با اختلاف طبقه یا نژاد در رفتار بزهکارانه پیوند داده شود. فشار تنها منحصر به عدم تعادل بین وسیله و هدف نیست، لذا شماری از اقدامات دیگر

1. Merton
2. Cohen
3. Agnew

فراتر از اختلاف بین آرزوها و انتظارات را می‌توان مورد استفاده قرار داد. در تعیین نوع فشار و مشخص کردن عواملی که بر هر سازگاری تأثیر می‌گذارند، آگنیو نظریه‌ی فشار را به نظریه‌های پیوند اجتماعی و یادگیری اجتماعی نزدیک‌تر می‌کند و از این طریق شماری از متغیرهای توضیحی از این مطالعات را در آن می‌گنجانند.

ج) یادگیری رفتار مجرمانه: نظریه فرآیندهای اجتماعی^۱

نظریه‌های یادگیری روان‌شناختی پایه‌ای برای نظریه یادگیری اجتماعی فراهم آورده است. دو حالت اساسی برای یادگیری وجود دارد. مردم با تجربه نتایج اعمال خود و از طریق قدرت الگوسازی اجتماعی یاد می‌گیرند همچنین افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران و عواقب رفتار آن‌ها آموزش می‌بینند (باندورا^۲، ۲۰۰۱). خودتنظیمی، دیگر فرایند مورد تأکید در این نظریه است. بدین شکل که هر رفتار افزون بر پیامدهای بیرونی، نوعی واکنش خودسنجی را نیز در پی دارد. این سنجش، با توجه یافتن فرد به میزان همخوانی رفتارهایش با معیارهایی انجام می‌شود که آن را برای تنظیم و هدایت رفتار خود پذیرفته است. نتیجه این سنجش نوعی احساس رضایت یا ناراضی درونی است که می‌توان آن را نظام تقویت درونی نامید (لانیر^۳، ۲۰۱۸).

۳. پیشینه پژوهش

با استفاده از نظریه بکر و نظریه‌های ساختار اجتماعی به‌عنوان راهنما، مطالعات تجربی فراوانی در رابطه با بررسی عوامل مؤثر بر جرم صورت پذیرفته است. پژوهش‌های مربوطه را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد. گروه اول شامل مطالعاتی است که اثرپذیری جرم از تحولات اقتصادی و بازار کار را به‌عنوان عاملی مهم در تحلیل هزینه-فایده انتظاری جرم مورد بررسی قرار می‌دهند. گروه دوم پژوهش‌هایی را در برمی‌گیرد که پاسخگویی جرم را به‌احتمال دستگیری فرد مورد بررسی قرار داده‌اند. این مفهوم معادل مطالعه حساسیت جرم به پلیس (نیروی پلیس یا مجازات پلیس) است. گروه سوم حساسیت جرم را به تغییرات در شدت مجازات‌های کیفری می‌سنجند. جداول (۱) و (۲) به ترتیب، برخی مطالعات تجربی خارجی و داخلی را در موضوع رابطه جرم و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌کنند نتایج مطالعات تجربی را می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی نمود:

۳-۱. درآمد و جرم

مطابق با رویکردهای نظری، بیشتر مطالعات جرم‌سنجی شامل متغیرهای درآمدی هستند که برخی از مزایا و هزینه‌های فعالیت‌های قانونی و یا غیرقانونی را نمایندگی می‌کند. برخی از مطالعات با نگاه به

1. Social Process Theories

2. Bandura

3. Lanier

مزایای فعالیت‌های قانونی، نظریه بکر را تأیید می‌کنند. کورنول و ترامبل^۱ (۱۹۹۴) دریافتند که دستمزدهای بالا در فعالیت‌های قانونی با کاهش جرم همراه است. ماچین و مگیر^۲ (۲۰۰۴) نشان دادند که کاهش دستمزد کارگران غیرماهر منجر به افزایش جرم می‌شود. با نگاهی به مطالعات مختلف مشاهده می‌شود از متغیرهای متنوعی به‌عنوان نماینده درآمد در الگوی‌های جرم استفاده شده است که از جمله می‌توان به: متوسط درآمد خانوار، درآمد متوسط، درآمد کارگر برای کارگران تولیدی، میانگین درآمد خالص از مالیات، درآمد سرانه و ... اشاره کرد. در این مطالعات اگرچه در بیشتر آن‌ها فرضیه کاهش جرائم با افزایش فرصت‌های درآمد قانونی رد نمی‌شود (ریکمن و ویت^۳، ۲۰۰۷؛ ماچین و مگیر، ۲۰۰۴؛ گولد، وینبرگ و ماسترد^۴، ۲۰۰۲؛ کورنول و ترامبل، ۱۹۹۴)، اما برخی دیگر از مطالعات فرضیه عکس آن، مبنی بر افزایش فرصت درآمدهای قانونی باعث افزایش جرائم می‌شود را نیز رد نکرده‌اند (اید، روبین و شپرد، ۲۰۰۶). همچنین بونانو، فرگوسن و وارگاس^۵ (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که با افزایش درآمد سرانه تا یک سطح معین جرائم افزایش یافته و بعد از آن کاهش می‌یابد. ابهام در نتایج ممکن است به این دلیل باشد که متغیرهای درآمدی که مورد استفاده قرار می‌گیرد نه تنها فعالیت‌های قانونی، بلکه درآمد مشاغل غیرقانونی را نیز منعکس می‌کند. درآمدهای بالاتر از فعالیت‌های قانونی کار را جذاب‌تر از جرم جلوه می‌دهند، اما درآمد قانونی بالاتر در یک منطقه، اهداف سودآور بیشتری را برای جرم ایجاد می‌کند. در سوی مقابل درآمدهای بالای فعالیت‌های قانونی به معنای درآمد از دست رفته بیشتر در شرایط حبس است که این هزینه جرم، تأثیر منفی بر جرم خواهد گذاشت. اگر این سازوکارها به‌طور همزمان کار کنند و قدرت نسبی آن‌ها به‌طور کلی ثابت نباشد، جای تعجب نیست که نتایج مطالعات مختلف متفاوت باشد. مشکل اصلی این است که درآمد فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی بسیار همبسته است و یافتن شاخص مناسبی که با دقت کافی بتواند آن‌ها را از هم متمایز نماید بسیار دشوار و یا شاید حتی غیرممکن باشد (اید، روبین و شپرد، ۲۰۰۶).

۲-۳. بیکاری و جرم

بیکاری معمولاً به‌عنوان متغیر نشان‌دهنده فقدان فرصت درآمد قانونی در مطالعات جرم‌سنجی بکار گرفته می‌شود. بیکاری چنانچه جایگزین آن زندگی در فقر باشد، ارتکاب جرم (به‌ویژه جرائم مالی) را جذاب می‌کند. تخمین اثر بیکاری بر جرم در اکثر مطالعات مثبت است (کاستنتینی، مکو و پارادیسو^۶،

-
1. Cornwell and Trumbull
 2. Machin and Meghir
 3. Rickman and Witt
 4. Gould, Weinberg and Mustard
 5. Buonanno, Fergusson, and Vargas
 6. Costantini, Meco and Paradiso

۲۰۱۸؛ اندرسون و لینینگ^۱، ۲۰۱۶؛ وو و وو^۲، ۲۰۱۲). چیروکاس^۳ (۱۹۸۷) در یک بررسی جامع نشان می‌دهد که در اکثر مطالعات بیکاری منجر به افزایش جرائم می‌شود. نتیجه مشابهی نیز از بررسی فریمن^۴ (۱۹۹۵) حاصل شده است. با این وجود اگرچه نرخ بیکاری از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ کاهش داشته، اما نتایج نشان‌دهنده کاهش جرم نیستند؛ بنابراین به‌طور کلی رابطه جرم و بیکاری هم از نظر نوع رابطه و هم از نظر شدت آن مبهم است. در ارتباط با ابهام موجود مطرح شده است که بسیاری از مطالعات توجه خود را تنها بر بیکاری متمرکز کرده‌اند و سایر مؤلفه‌های مرتبط در بازار کار مانند دستمزد و فرصت‌های شغلی را نادیده گرفته‌اند. علاوه بر این اگرچه نرخ بیکاری در سال ۱۹۹۶ در مقایسه با سال ۱۹۸۰ پایین‌تر بود، لیکن نرخ بیکاری جوانان در سال ۱۹۹۶ بسیار بالا بوده است؛ در همین راستا برخی مطالعات تجربی نیز رابطه مثبت و معنادار بیکاری جوانان و جرم را نشان داده‌اند (فوگر، کرامرز و پوگت^۵ ۲۰۰۹).

۳-۳. نابرابری و جرم

در بسیاری از پژوهش‌ها میان علل مختلف تأثیر نابرابری بر جرم تمایز قائل شده‌اند. کلی^۶ (۲۰۰۰) بیان می‌کند که با توجه به نظریه اقتصادی جرم در مناطق با نابرابری بالا، انگیزه ارتکاب به فعالیت مجرمانه به دلیل احتمال موفقیت بیشتر در ارتکاب جرم و همچنین بازده احتمالی بیشتر، افزایش می‌یابد. علاوه بر این براساس نظریه فشار، کلی (۲۰۰۰) استدلال می‌کند که در مناطقی که افراد با موفقیت نسبی بالا زندگی می‌کنند، افراد ناموفق از موقعیت خود احساس ناامیدی بیشتری می‌کنند و هرچه نابرابری بیشتر باشد، این فشار بیشتر است و این امر موجب ایجاد انگیزه برای افراد کم‌درآمد برای ارتکاب جرم می‌شود. ودربرن^۷ (۲۰۰۱) معتقد است که نابرابری درآمد، فقر و بیکاری سه عامل اصلی ایجاد جرم هستند، در این بین نابرابری درآمد نقش بسیار مهمی بر وقوع جرائم دارد؛ بنابراین در رابطه بین نابرابری و جرم می‌توان به دو مکانیزم اقتصادی و روان‌شناختی اشاره کرد. اولاً، اثر نابرابری دستمزد در جامعه به موقعیت درآمد نسبی فرد بستگی داشته و منعکس‌کننده تفاوت بیشتر بین درآمد حاصل از فعالیت‌های مجرمانه و قانونی است. ثانیاً، افزایش نابرابری می‌تواند یک اثر جبری بر کاهش آستانه اخلاقی فرد از طریق آنچه به‌عنوان اثر "احساسات" نامیده می‌شود به دنبال داشته باشد.

1. Andresen and Linning
2. Wu and Wu
3. Chiricos
4. Freeman
5. Fougère, Kramarz and Pouget
6. Kelly
7. Weatherburn

نتایج مطالعات تجربی کا ستنتینی، مکو و پاردي سو (۲۰۱۸)، (ژانگ^۱ ۲۰۱۸)، اینامرادو^۲ و همکاران (۲۰۱۶)، وو و وو (۲۰۱۲)، چو^۳ (۲۰۰۸)، سوارز^۴ (۲۰۰۴)، کلی (۲۰۰۰)، ویت^۵ و همکاران (۱۹۹۸)، تسوشیما^۶ (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که اثر نابرابری بر جرم معنادار و مثبت است. برخی مطالعات نیز همچون ژانگ (۲۰۱۸)، اثر معناداری از نابرابری بر جرم مشاهده نکرده‌اند. باین حال در کنار نابرابری اقتصادی برخی مطالعات تجربی به بررسی اثر فقر بر جرائم نیز همت گماشته‌اند. این مطالعات مکانیزم اثرگذاری فقر را بر جرائم مشابه مکانیزم اثرگذاری نابرابری در نظر گرفته‌اند. اکثر این مطالعات بر رابطه مثبت فقر بر جرائم تأکید دارند (گیلانی، رحمان و گیل^۷ ۲۰۰۷؛ مهلوم، میگوئل و تورویک^۸ ۲۰۰۶؛ ودربرن^۹ ۲۰۰۱؛ تسوشیما ۱۹۹۶).

۳-۴. تورم و جرم

مکانیزم اثرگذاری تورم بر جرم، به‌ویژه جرائم مالی، همانند مکانیزم اثرگذاری بیکاری بر جرائم است. افزایش تورم باعث کاهش دستمزدهای واقعی نیروی کار می‌شود زیرا دستمزدهای اسمی غالباً متناسب با تورم تعدیل نمی‌شوند؛ اما تورم نه‌تنها از طریق اثر درآمدی موجب افزایش جرائم مالی می‌شود همچنین افزایش قیمت برخی کالاها، به‌عنوان مثال افزایش بهای فلزات گرانبها، می‌تواند سودآوری درگیر شدن در جرم مالی را به میزان قابل‌توجهی افزایش دهد (نونلی^۹ و همکاران، ۲۰۱۶). از دیدگاه نظریه عمومی فشار نیز تورم می‌تواند عامل فزاینده فشار در افراد به‌دلیل ایجاد فاصله میان اهداف و اسباب رسیدن به اهداف گردد. مطالعات انجام شده بر اثر مثبت تورم بر شیوع جرائم تأکید دارند (روزنفلد، وگل و مک کودی^{۱۰}، ۲۰۱۹؛ نونلی و همکاران، ۲۰۱۶؛ روزنفلد و لوین^{۱۱}، ۲۰۱۶؛ تانگ^{۱۲}، ۲۰۰۹؛ تانگ و لین^{۱۳}، ۲۰۰۷).

۳-۵. چرخه‌های تجاری

برخی از مطالعات تجربی با توجه به نظریه‌های اقتصادی و همچنین نظریه‌های ساختار اجتماعی جرم بر اثر کاهنده رشد اقتصادی بر ارتکاب جرائم تأکید داشته و در نتیجه مخالف چرخه بودن رفتار

1. Zhang
2. Enamorado
3. Choe
4. Soares
5. Witt
6. Tsushima
7. Gillani, Rehman and Gill
8. Mehlum, Miguel and Torvik
9. Nunley
10. Rosenfeld, Vogel, and McCuddy
11. Rosenfeld and Levin
12. Tang
13. Tang and Lean

مجرمانه را تأیید کرده‌اند (بوشوی، کوک و فیلیپس^۱، ۲۰۱۳؛ سوارز، ۲۰۰۴). با این حال در مورد چگونگی اثرگذاری چرخه‌های تجاری بر رفتار مجرمانه عدم توافق وجود دارد. برخی از مطالعات میان جرائم خشن و جرائم مالی تمایز قائل شده و بر رفتار مخالف چرخه‌ای جرائم خشن با توجه به نظریه‌های ساختار اجتماعی تأکید دارند و رفتار جرائم نسبت به اموال را موافق چرخه‌ای می‌دانند (بوشوی، کوک و فیلیپس، ۲۰۱۲) زیرا در شرایط رونق، فرصت‌های سودآور ارتکاب جرائم بیشتر است. برخی مطالعات نیز بر عدم اثرپذیری جرائم از چرخه‌های تجاری تأکید دارند (اروانتس و دینا^۲، ۲۰۰۶)؛ بنابراین به‌طور کلی با توجه به مطالعات تجربی انجام شده نمی‌توان به قطعیت در ارتباط با واکنش جرائم به چرخه‌های تجاری صحبت کرد.

۳-۶. تحصيلات و جرم

با توجه به نتایج مطالعات انجام شده، مکانیزم‌های اثرگذاری تحصيلات بر جرائم را می‌توان به صورت موارد ذیل بیان کرد: اول آن که ارتقا تحصيلات و مهارت امکان مشارکت در بازار کار قانونی را افزایش می‌دهد، همچنین نرخ دستمزد فعالیت‌های قانونی برای فرد افزایش می‌یابد و در نتیجه هزینه فرصت رفتار غیرقانونی افزایش می‌دهد (لوچنر^۳، ۲۰۰۴؛ لوچنر و مورتی^۴، ۲۰۰۴). دوم آن که تحصيلات به‌طور غیرمستقیم بر ترجیحات افراد تأثیر می‌گذارد. این اثر باعث می‌شود که تصمیم به ارتکاب جرم از بعد روانشناسی هزینه بیشتری داشته باشد؛ بنابراین بازده اجتماعی تحصيلات بالاتر از بازده خصوصی آن است به‌طوری که با افزایش مهارت‌های فردی، نیل به اهداف دارای ارزش مثبت برای افراد را تسهیل می‌نماید (اید، روبین و شپرد، ۲۰۰۶).

۳-۷. پلیس و جرم

پیش‌بینی بکر در خصوص اینکه عرضه جرم به سرمایه‌گذاری جامعه در پلیس حساس است از ایده‌های نشات می‌گیرد که می‌گوید افزایش حضور پلیس (خواه به صورت افزایش تعداد و یا خواه به صورت افزایش بهره‌وری نیروی پلیس) بازدارندگی از جرم را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر به میزانی که مجرمان بالقوه افزایش منابع نیروی پلیس را به هر شکل مشاهده و ریسک بالاتری برای مشارکت در جرم ادراک کنند، انتظار می‌رود که جرم از کانال بازدارندگی کاهش یابد. از این رو برخی از مطالعات تجربی به رابطه معکوس میان حجم منابع یا تعداد نیروهای پلیس و جرم دست‌یافته‌اند (کاستنتینی، مکو و پاردي سو، ۲۰۱۸؛ ماچین و ماری^۵، ۲۰۱۱؛ ویلهیت و الن^۶، ۲۰۰۸). با این وجود بررسی تجربی

1. Bushway, Cook, and Phillips
2. Arvanites and Defina
3. Lochner
4. Lochner and Moretti
5. Machin and Marie
6. Wilhite and Allen

بازدارندگی پلیس با چالشی بزرگ همراه است زیرا تغییر در تراکم پلیس تصادفی نیست. به عبارت دیگر تراکم پلیس خود به میزان جرائم در جامعه بستگی دارد؛ در نتیجه، شناسایی اثر علی تغییرات در پلیس بر جرم مشکل است. موضوع دیگر این است که پاسخ جرم به پلیس از نوع سلب صلاحیت نیز هست؛ زیرا پلیس جرم را با دستگیری مجرمانی که حبس یا سلب صلاحیت شده‌اند به طور مکانیکی کاهش می‌دهد.

مطالعاتی بر روی داده‌های ترکیبی انجام شده و کشش جرم را نسبت به نیروی پلیس اندازه‌گیری کرده‌اند. نتایج برآورد کشش‌های کوچکی را گزارش کرده است که به صفر نزدیک و حتی گاهی مثبت بوده‌اند که به اشتباه نشان می‌دهد که پلیس جرم را افزایش داده است. ادبیات تجربی جدید اشاره دارد به این که کشش‌های کوچک تورش پژوهش‌های حوزه جرم محسوب می‌شوند. موضوع خاصی که در این زمینه بیان شده این است که پلیس در صورت پیش‌بینی افزایش جرم استخدام می‌شود، بنابراین تورش مثبتی در برآوردهای رگرسیون وجود خواهد داشت که کشش را به طور حقیقی منفی می‌کند؛ بنابراین ادبیات اخیر به طور عمومی بر متغیرهای سودمندی که این تورش را از بین می‌برند متمرکز شده است.

جدول ۱: نتایج مطالعات خارجی

نویسنده	کشور	سال	نتایج
روزنفلد، وگل و مک کودی	آمریکا	۲۰۱۹	تورم با نرخ جرم رابطه مثبت معنادار دارد.
کاستنتینی، مکو و پارديسو	آمریکا	۲۰۱۸	بیکاری و نابرابری اثر مثبت و بازدارندگی اثر منفی بر انواع جرائم دارند.
ژانگ	آمریکا	۲۰۱۸	یک رابطه مثبت و قوی بین ضریب جینی و جرم خشونت‌آمیز در الگوی اثر ثابت در دوره ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ دارد. با این حال، ضریب جینی هیچ اثر معناداری بر جرم خشونت‌آمیز در دوره بهبود شرایط اقتصادی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ ندارد.
بونانو، فرگوسن و وارگاس	آمریکا	۲۰۱۷	وجود رابطه U معکوس میان جرم و درآمد در ارتباط با جرائم مالی.
اینامرادو و همکاران	مکزیک	۲۰۱۶	افزایش نابرابری باعث افزایش جرائم خشن می‌شود.
نونلی و همکاران	آمریکا	۲۰۱۶	رابطه آماری معنادار بین تورم و جرائم مالی وجود دارد.
روزنفلد و لوین	آمریکا	۲۰۱۶	از میان شاخص‌های اقتصادی، تنها تورم تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بر تغییر در انواع جرائم دارد.
اندرسون و لینینگ	کانادا	۲۰۱۵	بیکاری بر روی جرم اثر معناداری دارد؛ اما اثر بیکاری بر روی جرائم مختلف متفاوت است.
چن و کین	آمریکا	۲۰۱۴	میان نابرابری درآمد و انواع جرائم رابطه معناداری وجود ندارد.
روزنفلد	آمریکا	۲۰۱۴	در طول بحران ۲۰۰۸ جرائم برخلاف الگوهای متداول کاهش یافته است.
بوشوی، کوک و فیلیپس	آلمان	۲۰۱۳	قتل رفتار ضد چرخه‌ای دارد اما سرقت اثر موافق چرخه‌ای دارد.
بوشوی، کوک و فیلیپس	آمریکا	۲۰۱۲	رکود با سرقت رابطه مثبت دارد. همچنین اثر معناداری با قتل ندارد.

دورانت	آمریکا	۲۰۱۲	نابرابری اثر معناداری بر جرم ندارد.
وو و وو	انگلستان	۲۰۱۲	نابرابری درآمد و بیکاری مهم‌ترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر جرم در انگلستان هستند.
میچین و ماری	انگلستان	۲۰۱۱	رابطه منفی میان مخارج پلیس و وقوع جرائم وجود دارد.
فوگر، کرامرز و پوگت	فرانسه	۲۰۰۹	رابطه مثبت میان جرم و بیکاری جوانان وجود دارد.
تانگ	مالزی	۲۰۰۹	بیکاری و تورم رابطه مثبت با جرائم دارند؛ اما رابطه تورم و جرم در کوتاه‌مدت معنادار نیست.
گیلانی، رحمان و گیل	پاکستان	۲۰۰۹	رابطه هم‌جمعی بلندمدت میان جرم، فقر، بیکاری و تورم وجود دارد. همچنین بیکاری، تورم و فقر علت گرنجری جرم هستند.
چو	آمریکا	۲۰۰۸	نابرابری درآمدی بیشتر منجر به گسترش جرائم در جامعه می‌شود.
ویل هیت و الن	آمریکا	۲۰۰۸	میان کاهش جرائم سرقت و احتمال دستگیر شدن رابطه معناداری وجود دارد.
حبیب‌الله و بهارم	مالزی	۲۰۰۸	جرائم رابطه بلندمدت و معکوس با رشد دارند و همچنین اثر علی از سمت شرایط اقتصادی بر جرائم است و نه برعکس.
ریکمن و ویت	انگلستان	۲۰۰۷	پایین بودن نرخ دستمزد و احتمال محکومیت، انگیزه افراد را در ارتکاب جرم تقویت کرده و موجب افزایش نرخ جرم در جامعه می‌شود.
تانگ و لین	آمریکا	۲۰۰۷	رابطه مثبت و معنادار میان تورم و ارتکاب جرم وجود دارد.
ارواتنس و دفینا	آمریکا	۲۰۰۶	چرخه‌های تجاری اثر معناداری بر جرائم ندارند.
مهلوم، میگوئل و توروک	آلمان	۲۰۰۶	رابطه معنادار و مثبتی میان فقر و جرم وجود دارد.
سوارز	آمریکا	۲۰۰۴	رابطه مثبت میان توسعه و جرم در مطالعات گذشته به دلیل حساسیت نسبت به آمار جرم است. چنانچه این خطا جبران شود توسعه اثری بر جرائم ندارد. کاهش نابرابری و افزایش رشد اقتصادی و تحصیلات با کاهش نرخ جرم رابطه دارد.
ماشین و مگیر	انگلستان	۲۰۰۴	کاهش دستمزد کارگران غیرماهر منجر به افزایش جرم می‌شود
لوچنر	آمریکا	۲۰۰۴	سرمایه انسانی هزینه فرصت جرم و هزینه‌های انتظاری حبس را افزایش می‌دهد. جرائم خیابانی با افزایش سن و تحصیلات کاهش می‌یابد اما جرائم یقه‌سفید با افزایش سن و تحصیلات حساسیت کمتری دارند.
لوچنر و مورتی	آمریکا	۲۰۰۴	آموزش باعث اثرگذاری بر رفتار مجرمانه شده و تفاوتی در احتمال دستگیر شدن یا شرایط حبس ندارد.
ولد، وینبرگ و ماسترد	آمریکا	۲۰۰۲	نرخ دستمزد بیش از ۵۰ درصد افزایش جرائم خشن و جرائم مالی را توضیح می‌دهد.
کلی	آمریکا	۲۰۰۰	در مناطقی که نابرابری بیشتر است جرائم بیشتر به وقوع می‌پیوندد.
ویت و همکاران	انگلستان	۱۹۹۸	نابرابری دستمزدها و بیکاری اثر مثبت و معناداری بر جرائم دارد.
تسوشیما	ژاپن	۱۹۹۶	فقر، نابرابری درآمد و بیکاری اثر مثبت و معنادار بر جرائم دارد. شهرنشینی، صنعتی شدن و تحرک اثر مثبت و معنادار بر سرقت داشته اما اثر آن بر قتل عمد معنادار نیست.

جدول ۲: نتایج مطالعات داخلی

نتایج	نویسنده
اثر بیکاری بر جرم در استان‌های کشور متفاوت است.	مکیان و همکاران (۱۳۹۷)
نابرابری درآمدی اثر مثبت و معنادار بر سرقت دارد.	مکیان، رستمی و رمضانی (۱۳۹۷)
رشد اقتصادی باعث کاهش جرائم می‌شود.	پناهی و ستار رستمی (۱۳۹۶)
در سطوح بالای تورم تأثیر درآمد سرانه واقعی بر جرم منفی و معنادار است. در سطوح پایین تورم، تأثیر نابرابری درآمدی بر جرم مثبت و معنادار، اما در سطوح بالا، نابرابری تأثیری بر جرم ندارد. تأثیر صنعتی شدن در سطوح پایین تورمی بی‌معنی اما در سطوح بالای تورم این تأثیر مثبت و معنادار است. بیکاری در هر دو حالت تأثیر مثبت و معنادار بر جرم دارد.	آرمن و همکاران (۱۳۹۶)
همگرایی رشد برای استانهای کشور، هرچند با سرعت کم، برقرار است. شاخص جرم تأثیر منفی اما غیرمعناداری بر روند همگرایی دارد.	آرمن، فرازمنده، ملتفت و کفیلی (۱۳۹۵)
رابطه معنادار میان جرم و تورم، بیکاری و رشد اقتصادی در ایران وجود دارد.	دادگر و نظری (۱۳۹۴)
معنادار بودن اثرات سرریز ناشی از جرم در بین استان‌های کشور تأیید می‌شود.	مهرآرا و نیکپی (۱۳۹۴)
عوامل مؤثر بر متغیر سرقت، به‌ترتیب متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ تورم هستند. همچنین، تأثیرگذارترین عوامل بر متغیر جرم کل، به‌ترتیب متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ فقر بودند. بیشترین عوامل تأثیرگذار بر متغیر قتل، به‌ترتیب متغیرهای نرخ بیکاری، نرخ صنعتی شدن و نرخ فقر هستند.	نوغانی دخت بهمنی و میرمحمدتبار (۱۳۹۴)
شاخص فرهنگی توسعه‌یافتگی (نرخ با سواد جمعیتی)، با میزان ارتکاب جرم رابطه مثبت و معناداری دارد. عدم تحقق توسعه اجتماعی (بیکاری و ضریب جینی) با میزان ارتکاب جرم رابطه مثبت و معناداری دارد. شاخص اقتصادی توسعه‌یافتگی (نرخ رشد تولید ناخالص داخلی) رابطه منفی و معناداری با میزان جرم دارد.	خداپرست مشهدی و غفوری ساداتیه (۱۳۹۳)
رشد صنعتی رابطه مثبت و معنادار بر جرم دارد.	لطفی و فیض‌پور (۱۳۹۳)
تورم اثر مثبت و معنادار بر انواع جرائم در کشور دارد.	ابریشمی و رضایی (۱۳۹۳)
رابطه بین بیکاری و تورم با ارتکاب جرائم، مثبت و مستقیم؛ و اثر تخریبی بیکاری بسیار شدیدتر از تورم است. دیگر متغیرهای اقتصادی مانند نسبت شهرنشینی، روند صنعتی شدن و نرخ باسوادی هم اثرگذار است.	عباسی‌نژاد، صادقی و رمضانی (۱۳۹۳)
با تشدید نابرابری درآمد سرقت تشدید می‌شود. ارتباط مستقیم نرخ جرم سرقت با نسبت شهرنشینی، نرخ طلاق، نرخ بیکاری و رابطه معکوس با درآمد ماهانه خانوارهای ایرانی وجود دارد.	مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰)
رابطه مثبت میان نابرابری درآمد و جرائم قتل عمد و سرقت وسایل نقلیه وجود دارد.	مداح (۱۳۹۰)
افزایش نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی موجب افزایش نرخ سرقت شده و افزایش نرخ صنعتی شدن باعث کاهش سرقت می‌شود. بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمد عوامل تعیین‌کننده قتل در کشور هستند.	صادقی و همکاران (۱۳۸۴)

۴. الگوی پژوهش

۴-۱. تصریح الگو

در بخش بررسی مبانی نظری پژوهش، با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر جرم در جامعه، چندین نظریه اقتصادی، جامعه‌شناختی و زیست‌شناسی برای توجیه اهمیت متغیرهای اقتصادی و اجتماعی بر شیوع جرم و جنایت موردبررسی قرار گرفت. براساس نظریه انتخاب عقلایی، درآمد انتظاری از فرصت‌های قانونی بازار کار و درآمدهای غیرقانونی، احتمال دستگیری و شدت مجازات در گسترش یا کاهش رفتار مجرمانه در جامعه دخیل هستند. با توجه به نظریه‌های ساختار اجتماعی، درآمد ناکافی، فقر و نابرابری اقتصادی در جامعه از جمله عوامل مؤثر بر شیوع جرم در نظر گرفته می‌شود. در نظریه فشار عمومی، افراد طبقه پایین موفقیت‌های مالی و اجتماعی خود را با وضعیت طبقه متوسط مقایسه کرده و به دلیل فشار ناشی از شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت به رفتار مجرمانه روی می‌آورند.

در پژوهش حاضر با توجه به محدودیت داده‌های جرم، به جرم سرقت به‌عنوان یکی از اشکال مهم جرائم مالی پرداخته می‌شود. با توجه به مبانی نظری، الگوی پژوهش براساس متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تصریح شد به طوری که متغیرهای درآمد سرانه، نرخ بیکاری، نرخ بیکاری جوانان، نرخ تورم، شاخص فقر، ضریب جینی، به‌عنوان متغیرهای اقتصادی و سطح تحصیلات مردان، شهرنشینی، نرخ اعتیاد و نرخ طلاق، به‌عنوان عوامل توضیح‌دهنده اجتماعی جرم سرقت در کشور انتخاب شدند. به‌منظور بررسی نقش سیاست‌های دولت نیز متغیر نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی به الگو اضافه گردید.

تفاوت مهم پژوهش حاضر با مطالعات تجربی گذشته، بررسی اثر متغیرهای اجتماعی از جمله نرخ‌های شیوع اعتیاد و طلاق و همچنین آموزش بر شاخص جرم مالی و همچنین منظور کردن اثر ادوار تجاری و مخارج دولت در استان در تصریح الگوی پژوهش است.

در تصریح ساختار الگوهای مختلف پژوهش، دو نظریه کلی توضیح‌دهنده جرم که همان رویکرد انتخاب عقلایی و رویکرد ساختار اجتماعی است، مورد استفاده قرار گرفته است. رویکرد اول به‌طور عمده به عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم می‌پردازد. درحالی‌که در رویکرد دوم، عوامل اجتماعی مهم هستند. در این راستا، الگوی اول و سوم پژوهش به‌طور مشخص به بررسی عوامل اقتصادی جرم می‌پردازد. الگوهای دوم و چهارم غیر از شامل بودن عوامل مهم اقتصادی، به بررسی آثار متغیرهای اجتماعی، به‌ویژه به آسیب‌های اجتماعی، بر جرم تأکید دارد. الگوی پنجم پژوهش نیز به‌طور مشخص به اثر ادوار تجاری (شرایط رونق و رکود اقتصادی) بر جرم تأکید دارد.

بنابراین، در الگوی اول (رابطه ۱) اثر درآمد سرانه، نرخ تورم، نرخ بیکاری جوانان و متغیر مجازی استان‌های با درآمد سرانه بیشتر از میانگین درآمد سرانه کشور، به‌عنوان متغیرهای توضیح‌دهنده سرقت در کشور انتخاب شدند.

$$\log CRIME_{it} = \alpha + \beta_1 \log GDP_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 JUNE_{it} + \beta_4 Dummy_{it} + u_{it} \quad (1)$$

که در آن $CRIME$ تعداد سرقت (در هزار نفر جمعیت)، GDP درآمد سرانه، INF نرخ تورم، $JUNE$ نرخ بیکاری جوانان و $Dummy$ نماد متغیر مجازی استان‌های با درآمد بالا است. الگوی دوم (رابطه ۲) به بررسی اثر اعتیاد (ADD) بر سرقت می‌پردازد و از شاخص نرخ شیوع اعتیاد در استان‌ها استفاده شده است.

$$\log CRIME_{it} = \alpha + \beta_1 \log GDP_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 JUNE_{it} + \beta_4 ADD_{it} + u_{it} \quad (2)$$

الگوی سوم (رابطه ۳) به بررسی اثر فقر می‌پردازد. در این الگو متغیر POV نسبت هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌های خانوار استان i در سال t به‌عنوان شاخص فقر، جایگزین نرخ تورم در الگوی اول می‌شود. همچنین در این الگو متغیر مجازی استان‌های با بیش از ۷۰ درصد جمعیت شهری به‌عنوان شاخص شهرنشینی به الگو اضافه شده است.

$$\log CRIME_{it} = \alpha + \beta_1 \log GDP_{it} + \beta_2 \log JEDU_{it} + \beta_3 \log POV_{it} + \beta_4 \log URB_{it} + u_{it} \quad (3)$$

در الگوی چهارم (رابطه ۴) آثار مخارج سرانه دولت در استان (BUD)، به‌عنوان نقش سیاست‌های دولت، اثر ترکیبی بیکاری مردان و تحصیلات ($EDU_{it} * MUNE_{it}$) و طلاق (DIV) به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی ایجادکننده فشار روان‌شناختی منظور شده است.

$$\log CRIME_{it} = \alpha + \beta_1 \log GDP_{it} + \beta_2 \log BUD_{it} + \beta_3 \log DIV_{it} + \beta_4 \log EDU_{it} * MUNE_{it} + u_{it} \quad (4)$$

همچنین برای بررسی رابطه سرقت و چرخه‌های تجاری با توجه به شرایط رکودی در کشور در ابتدای دهه ۱۳۹۰، الگوهای پنجم (رابطه ۵) در نظر گرفته شده است.

$$\log CRIME_{it} = \alpha + \beta_1 \log POV_{it} + \beta_2 \log BUD_{it} + \beta_3 \log DIV_{it} + \beta_4 \log GDP_{it} * D8689 + \beta_5 \log GDP_{it} * D9194 + u_{it} \quad (5)$$

که در آن $D8689$ و $D9194$ در رابطه فوق به ترتیب متغیرهای مجازی برای دوره‌های رونق (۸۹-۸۶) و رکود (۹۴-۹۱) در ایران منظور شده است.

۴-۲. داده‌های الگو

جدول (۳) شرح داده‌های مورد استفاده برای ۳۰ استان کشور را طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۶، همراه با منابع آن‌ها ارائه می‌کند. علت انتخاب بازه زمانی مورد نظر، به دلیل محدودیت داده برای برخی از متغیرهای مورد مطالعه است. برآورد الگوهای تصریح شده پژوهش، نیازمند چهار دسته داده به شرح زیر است:

۱. داده‌های اقتصاد کلان به تفکیک استان، مانند درآمد سرانه، نرخ بیکاری، نرخ تورم، بودجه دولت.
۲. داده‌های مربوط به جرم سرقت به تفکیک استان.
۳. داده‌های مربوط به آسیب‌های اجتماعی به تفکیک استان، مانند نرخ طلاق و نرخ شیوع اعتیاد.
۴. داده‌های مربوط به متغیرهای اجتماعی به تفکیک استان مانند تحصیلات، شاخص نابرابری، شاخص فقر، شهرنشینی.

برخی از داده‌ها به‌ویژه داده‌های آسیب اجتماعی همچون نرخ شیوع اعتیاد برای سال‌های اخیر موجود نیست و مجموعه داده‌های سازگاری که برای همه متغیرهای مقاله می‌توان استفاده نمود برای دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۶ است.

جدول ۳: داده‌های پژوهش

منبع	آمار مورد استفاده	متغیر
مرکز آمار	تعداد سرقت استان به ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت	سرقت
مرکز آمار	نسبت تولید ناخالص داخلی حقیقی استان به جمعیت استان	درآمد سرانه
مرکز آمار	نرخ بیکاری استان	نرخ بیکاری
مرکز آمار	نرخ بیکاری جمعیت ۲۹-۱۵ سال استان	نرخ بیکاری جوانان
مرکز آمار	نرخ بیکاری مردان استان	نرخ بیکاری مردان
بانک مرکزی	نرخ تورم استان	نرخ تورم
سازمان برنامه و بودجه	نسبت بودجه به تولید استان	بودجه دولت
مرکز آمار	ضریب جینی استان	شاخص نابرابری
بانک مرکزی	متوسط هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌های خانوار در استان	شاخص فقر
هزینه-درآمد خانوار	مردان با تحصیلات دانشگاهی به جمعیت مردان بالای ۱۸ سال	تحصیلات مردان ^۱
محاسبات پژوهش	استان‌های با درآمد سرانه بالاتر از میانگین درآمد سرانه کشور	مجازی استان‌های با درآمد بالا
محاسبات پژوهش	مجازی استان‌های با جمعیت شهری بیش از ۷۰ درصد	مجازی شهرنشینی
سازمان ثبت‌احوال	تعداد طلاق به ازای ۱۰۰۰ نفر جمعیت بالای ۱۰ سال	شاخص طلاق
یافته‌های پژوهش	تعداد معتادین برآورد شده به جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال ^۲	نرخ شیوع اعتیاد

۱. با توجه به نبود آمار مناسب از تحصیلات مردان، با استفاده از داده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۴، نسبت مردان بالای ۱۸ سال استان با تحصیلات دانشگاهی به کل مردان بالای ۱۸ سال نمونه استان، به‌عنوان شاخصی از تحصیلات مردان در نظر گرفته شده است.
۲. در مطالعه درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۸)، برآورد داده‌های نرخ شیوع مصرف مواد برای دوره زمانی ۹۳-۸۶ با استفاده از داده‌های مقطعی گزارش پیمایش ملی خانوار دفتر تحقیقات ستاد مبارزه با مواد مخدر و سازمان بهزیستی سل ۱۳۹۴ به شرح مراحل زیر انجام گرفته است:

۳-۴. برآورد الگوهای پژوهش

برای برآورد الگو، روش اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی در محیط نرم‌افزار Stata مورد استفاده قرار گرفت. قبل از برآورد الگو، برای جلوگیری از کاذب بودن رگرسیون برآوردی، ابتدا باید آزمون ریشه واحد برای بررسی پایایی متغیرها انجام شود. در این پژوهش به منظور بررسی پایایی متغیرها، از روش لوین، لین و چو (LLC) استفاده شده و نتایج آن در جدول (۴) گزارش شده است. فرضیه صفر وجود ریشه واحد است و با رد فرضیه صفر ناپایایی متغیرها رد می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود که همه متغیرها در سطح متغیر، پایا هستند. با توجه به عدم وجود ریشه واحد و در نتیجه حصول اطمینان از عدم وجود رگرسیون کاذب، می‌توان با استفاده از سطح متغیرها، الگوهای مورد نظر را برآورد کرد.

جدول ۱: آزمون پایایی متغیرها با استفاده از روش لوین، لین و چو (LLC)

نتیجه	احتمال	آماره LCC	متغیر
پایا	۰,۰۰	-۱۶,۰۳	$\log CRIME_{it}$
پایا	۰,۰۰	-۷,۵۵	$\log GDP_{it}$
پایا	۰,۰۰	-۷,۰۰	$\log UNE_{it}$
پایا	۰,۰۰	-۶,۵۵	$\log JUNE_{it}$
پایا	۰,۰۰	-۹,۴۶	INF_{it}
پایا	۰,۰۰	-۷,۵۴	$\log POV_{it}$
پایا	۰,۰۰۰۲	-۳,۵۳	$\log BUD_{it}$
پایا	۰,۰۰	-۴,۹۵	$\log MEDU_{it}$
پایا	۰,۰۰	-۶,۵۸	$\log ADD_{it}$
پایا	۰,۰۰	-۷,۳۶	$\log DIV_{it}$

منبع: یافته‌های پژوهش

مرحله اول: تفکیک داده‌های سال ۹۴ در سه طبقه برای استان‌های با نرخ شیوع مصرف بالا، متوسط و پایین.

مرحله دوم: تقسیم داده‌های هر سه طبقه به ده گروه سنی ۱۵-۲۰ ... ۶۰-۶۵ سال.

مرحله سوم: برآورد احتمال اعتیاد برای افراد ۳۲ گروه تفکیک شده از نظر جنس، تحصیلات، اشتغال و وضعیت تأهل با الگوهای پروبیت.

مرحله چهارم: تعیین امار افراد در هر یک از ۳۲ گروه تعریف شده برای هر گروه سنی برای تمام استان‌ها از داده‌های هزینه درآمد خانوار.

مرحله پنجم: برآورد تعداد افراد معتاد در نمونه هزینه درآمد خانوار از طریق ضرب احتمال اعتیاد در تعداد افراد هر گروه.

مرحله ششم: برآورد نرخ شیوع استان از طریق تقسیم تعداد افراد معتاد برآورد شده به کل داده نمونه استان.

الگوی مورد مطالعه می‌تواند به روش داده‌های تجمیعی^۱ یا داده‌های ترکیبی تخمین زده شود. لذا ابتدا برای تشخیص روش مناسب از آزمون F لیمر استفاده گردید که با توجه به نتایج آزمون مینی بر رد فرضیه صفر، الگو به صورت داده‌های ترکیبی برآورد شد. در گام دوم آزمون هاسمن (۱۹۸۰) برای تعیین روش برآورد از طریق اثرات ثابت یا اثرات تصادفی مورد استفاده قرار گرفت. در آزمون هاسمن فرضیه صفر به معنای عدم وجود ارتباط میان جزء اخلاص معادله و متغیرهای توضیحی است و فرضیه مقابل به معنای وجود همبستگی بین جزء اخلاص و متغیرهای توضیحی است. با رد فرضیه صفر آزمون هاسمن، روش داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت مناسب تشخیص داده شد. همچنین برای بررسی عدم وجود واریانس ناهمسانی از آزمون والد تعدیل شده^۲ استفاده گردید. با توجه به وجود واریانس ناهمسانی، از گزینه *robust* در نرم‌افزار *Stata* استفاده شد. جدول (۵) نتایج برآورد الگوهای مختلف را گزارش می‌کند.

مطابق نتایج الگوی اول، سرقت با تولید سرانه، رابطه منفی و معنادار و با بیکاری جوانان، تورم و متغیر مجازی برای استان‌های پردرآمد، رابطه مثبت دارد. این نتایج با نظریه انتخاب عقلایی و بی‌هنجاری و نظریه عمومی فشار قابل تفسیر است. براساس نظریه اول افزایش درآمد در فعالیت‌های قانونی، انگیزه اشتغال در فعالیت‌های غیرقانونی را کاهش می‌دهد. همچنین از بیکاری معمولاً به‌عنوان متغیر نشان‌دهنده فقدان فرصت درآمد قانونی در مطالعات جرم‌سنجی یاد شده است. بیکاری چنانچه جایگزین آن زندگی در فقر باشد، ارتکاب جرم مالی را جذاب می‌کند. البته همان‌طور که در بخش مطالعات تجربی بیان شد در پژوهش‌های جرم‌شناسی تمایز میان نرخ بیکاری کل و نرخ بیکاری جوانان حائز اهمیت است؛ از این‌رو در این مطالعه نرخ بیکاری و نرخ بیکاری جوانان به صورت مجزا در نظر گرفته شد که اثر نرخ بیکاری کل مثبت ولی بی‌معنا بود که از الگوهای نهایی حذف گردید؛ اما اثر بیکاری جوانان مثبت و معنادار است. موضوع دیگری که در نظریه انتخاب عقلایی وجود دارد بحث فرصت ارتکاب جرم است به این معنا که هر چقدر فرصت‌های جذاب بیشتری وجود داشته احتمال ترغیب افراد به ارتکاب جرائم افزایش می‌یابد؛ بنابراین اثر مثبت و معنادار متغیر مجازی استان‌های با درآمد بالا را می‌توان به فرصت‌های جذاب بیشتر در این استان‌ها برای ارتکاب جرم سرقت مرتبط دانست. افزایش تورم نیز منجر به کاهش دستمزدهای واقعی نیروی کار می‌شود که در نتیجه آن درآمد از مشاغل قانونی را کاهش می‌دهد همچنین تورم نه تنها از طریق اثر درآمدی موجب افزایش جرائم مالی می‌شود بلکه افزایش قیمت برخی کالاها، به‌عنوان مثال افزایش بهای فلزات گرانبها، می‌تواند جذابیت درگیر شدن در جرم سرقت را به میزان قابل‌توجهی افزایش دهد. رابطه مثبت میان سرقت و

۱. Pooled Data

2. Modified Wald Test

بیکاری و تورم و همچنین رابطه منفی میان سرقت با درآمد سرانه در چارچوب نظریه ساختار اجتماعی نیز قابل توجیه است. براساس این نظریه، جرائم بیشتر در طبقات پائین اجتماعی و خانوارهای کم‌درآمد یافت می‌شود؛ بنابراین هر اندازه درآمد سرانه افزایش یابد انتظار بر کاهش جرائم است. در رابطه با نظریه عمومی فشار نیز مشقت و سختی‌های اقتصادی می‌تواند با ایجاد فشار جامعه‌شناختی فرد را به سوی ارتکاب جرم ترغیب کند؛ بنابراین نتایج به‌دست‌آمده در ارتباط با رابطه منفی درآمد و رابطه مثبت تورم و بیکاری با سرقت منطبق بر این دیدگاه است زیرا افزایش درآمد و کاهش تورم و بیکاری در جامعه با کاهش مشکلات اقتصادی فرد و تأمین بهتر نیازهای اقتصادی منجر به کاهش فشار بر فرد می‌شود.

الگوی دوم بر رابطه مثبت و معنادار نرخ شیوع اعتیاد با سرقت دلالت دارد. این رابطه نیز در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی و نظریه فشار قابل تفسیر است. براساس نظریه انتخاب عقلایی با توجه کاهش فرصت مشارکت معتادان در بازار مشاغل قانونی و در نتیجه عدم درآمد کافی برای معتادان بیش از سایر افراد مشارکت در جرم سرقت جذاب است. همچنین نظریه فشار مصرف مواد مخدر و ارتکاب جرائم را از نتیجه‌های فشار جامعه‌شناختی وارد بر فرد می‌داند.

الگوی سوم رابطه مثبت و معنادار میان سهم مخارج خوراکی به کل مخارج به‌عنوان شاخص فقر و شهرنشینی را با سرقت نشان می‌دهد. رابطه فقر و سرقت براساس تمام نظریه‌های ارائه شده در این پژوهش قابل توجیه و مورد انتظار است. رابطه شهرنشینی و سرقت را نیز می‌توان چنین توجیه کرد که در شهرها، در مقایسه با روستاها، احتمالاً فرصت‌های جذاب سرقت به‌مراتب بیشتر وجود دارد.

الگوی چهارم بر رابطه منفی و معنادار سرقت و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی استان و شاخص ترکیبی تحصیلات ضرب‌در بیکاری مردان و همچنین رابطه مثبت و معنادار سرقت و طلاق تأکید دارد. رابطه مخارج دولت و سرقت نشان می‌دهد که هر اندازه مخارج سرانه حقیقی دولت در بخش بهبود امنیت و شرایط اجتماعی جامعه افزایش یابد، انتظار می‌رود که سرقت کاهش یابد. همچنین رابطه منفی شاخص ترکیبی بیکاری و تحصیلات نشان‌دهنده اثر غالب تحصیلات نسبت به بیکاری در مواجهه با جرائم است به‌طوری‌که تحصیلات عالی از یک‌سوی هزینه فرصت سرقت را برای فرد افزایش داده و از سوی دیگر با اثرگذاری بر ترجیحات فرد ارتکاب به سرقت را تا حدودی از دایره انتخابات فرد خارج می‌کند؛ اما در ارتباط با رابطه طلاق و سرقت این رابطه بیشتر از جنبه اجتماعی قابل تفسیر است زیرا طلاق می‌تواند آثار اجتماعی و روانی شدید بر فرد داشته و فرد را با فشار شدید جامعه‌شناختی مواجه نماید.

آخرین الگوی ارائه شده نیز بر رفتار مخالف چرخه‌ای سرقت در کشور دلالت دارد. براساس نتایج این الگو، در شرایط رونق اقتصادی، فرصت‌های سودآور ارتکاب جرائم بیشتر است. این نتیجه با اکثر مطالعات انجام شده در ارتباط با جرائم نسبت به اموال مطابقت دارد.

علاوه بر متغیرهای ارائه شده، در این مطالعه، متغیرهای دیگری چون ضریب جینی، نرخ بیکاری کل، نرخ بیکاری مردان، تحصیلات مردان و جمعیت جوان نیز به عنوان عوامل اثرگذار بر سرقت در نظر گرفته شده که اثرات معنادار و قابل تفسیری حاصل نگردید.

جدول ۲: نتایج برآورد الگوهای پژوهش (متغیر وابسته: نرخ سرقت به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت)

الگوی ۵	الگوی ۴	الگوی ۳	الگوی ۲	الگوی ۱	
-۴,۳۹۱ (-۳,۵۸)	۵,۲۰۲ (۱,۳۲)	-۲,۰۴۲۸ (-۰,۶۸)	۱۳,۳۱ (۱۳۹)	*** ۱۱,۷۲ (۳,۲۹)	عرض از مبدأ
	*** -۱,۱۳۴ (-۳,۳۴)	*** -۱,۶۲۴ (-۴,۱۲)	*** -۱,۸۵۶ (-۳,۹۳)	*** -۲,۰۷۵ (-۴,۱۰)	تولید سرانه استان
			*** ۰,۰۰۹۱۸ (۳,۵۵)	*** ۰,۰۰۸۴۴ (۳,۵۴)	نرخ تورم
** ۰,۴۷۷۴ (۲,۳۴)		** ۰,۶۳۸۹ (۲,۲۸)	** ۰,۷۲۳۳ (۲,۰۵)	** ۰,۷۷۱۵ (۲,۰۳)	نرخ بیکاری جوانان (۱۵ تا ۲۹ ساله)
*** ۱,۱۶۳۲ (۴,۰۶)		*** ۳,۴۲۴ (۹,۷۶)			سهم مخارج خوراکی به کل مخارج
	*** -۰,۵۲۷۷ (-۵,۰۰)				نسبت بودجه استان به تولید استان
** ۰,۳۳۹۴ (۲,۰۰)		*** ۰,۷۳۶۵ (۵,۹۸)			متغیر مجازی شهرنشینی
			** ۰,۸۲۷۲ (۲,۰۱)		نرخ شیوع اعتیاد
	*** ۰,۳۸۱۱ (۳,۵۹)				نرخ طلاق
	** -۰,۵۷۱۳ (۱,۹۶)				تحصیلات * بیکاری مردان
				*** ۰,۶۷۱ (۳,۷۷)	متغیر مجازی استان‌های با درآمد بالا
*** -۰,۶۱۱۳ (-۵,۷۳)					تولید سرانه * مجازی (۸۶-۸۹)
*** ۰,۰۷۶۶۸ (۷,۷۶)					تولید سرانه * مجازی (۹۱-۹۴)
۴,۹۰	۹,۸۱	۳۰,۹۴	۷,۷۳	۴۸,۰۳	F لیمر
۳۶,۵۶	۲۴,۹۷	۴۲,۷۶	۹۳,۵۶	۳۵,۹۶	χ^2 آزمون
۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	P_value هاسمن
۲۶۷,۰۰ (۰,۰۰۰۰)	۲۹۰,۹۱ (۰,۰۰۰۰)	۲۴۲,۶۰ (۰,۰۰۰۰)	۳۷۵,۶۶ (۰,۰۰۰۰)	۵۰۰,۴۸ (۰,۰۰۰۰)	آزمون واریانس ناهمسانی (آزمون والد تعدیل شده)
اثرات ثابت (Robust)	اثرات ثابت (Robust)	اثرات ثابت (Robust)	اثرات ثابت (Robust)	اثرات ثابت (Robust)	روش تخمین
۰,۶۴۴۳	۰,۷۳۰۴	۰,۴۴۸۲	۰,۲۵۲۶	۰,۲۱۴۹	R ²

منبع: یافته‌های پژوهش

*** معناداری در سطح ۹۹ درصد، ** در سطح ۹۵ درصد

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی با سرقت، به‌عنوان یکی از جرائم مالی، در استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۶ است. نتایج پژوهش با برآورد الگوهای داده‌ترکیبی (پنل) نشان داد که نرخ سرقت با متغیرهای اقتصادی همچون درآمد سرانه رابطه منفی و معنادار و با تورم و فقر و بیکاری جوانان رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین رفتار مخالف چرخه‌ای سرقت در کشور تأیید می‌گردد. نتایج به‌دست‌آمده در قالب نظریه‌های انتخاب عقلایی و نظریه عمومی فشار قابل تفسیر است. از یافته‌های دیگر پژوهش، رابطه منفی و معنادار نرخ سرقت با نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی استان است رابطه مخارج دولت و سرقت نشان می‌دهد که هر اندازه مخارج سرانه حقیقی دولت در بخش بهبود امنیت و شرایط اجتماعی جامعه افزایش یابد، انتظار می‌رود که سرقت کاهش یابد. این رابطه در چارچوب نظریه انتخاب عقلایی و نقش پلیس و هزینه‌های اجتماعی قابل تفسیر است. براساس این نظریه، هر چقدر هزینه‌های امنیتی و اجتماعی دولت در یک منطقه بیشتر باشد فرصت ارتکاب جرم کاهش می‌یابد.

همچنین رابطه منفی شاخص ترکیبی نرخ بیکاری و تحصیلات نشان‌دهنده اثر غالب تحصیلات نسبت به بیکاری در بحث جرائم است به طوری که توسعه تحصیلات عالی از یک‌سوی هزینه فرصت سرقت را برای فرد افزایش داده و از سوی دیگر با اثرگذاری بر ترجیحات فرد ارتکاب به سرقت را تا حدودی از دایره انتخابات فرد خارج می‌کند.

نتایج پژوهش رابطه مثبت و معنادار نرخ شیوع اعتیاد و نرخ طلاق با سرقت را تأیید می‌کند. رابطه مثبت اعتیاد با جرم، براساس نظریه انتخاب عقلایی قابل تفسیر است. با توجه به کاهش فرصت مشارکت معتادان در بازار مشاغل قانونی و در نتیجه عدم درآمد کافی، مشارکت در جرم برای این افراد بیش از سایرین جذاب است. همچنین نظریه فشار، مصرف مواد مخدر و ارتکاب جرائم را از نتیجه‌های فشار جامعه‌شناختی وارد بر فرد می‌داند اما رابطه مثبت طلاق و جرم بیشتر از جنبه اجتماعی قابل تفسیر است زیرا طلاق می‌تواند آثار اجتماعی و روانی شدید بر فرد داشته و فرد را از این کانال با فشار شدید جامعه‌شناختی مواجه سازد.

مهم‌ترین توصیه سیاستی پژوهش حاضر، تأکید بر رویکرد جامع‌نگر به پدیده جرم مالی است. این رویکرد دارای سه بعد اقتصادی، اجتماعی و پیش‌گیری است. گسترش هزینه‌های دولت در مبارزه با جرم بدون توجه به سیاست‌های اقتصادی در راستای کاهش فقر، بیکاری و نابرابری درآمد تأثیر معناداری ندارد. از سوی دیگر نقش آموزش به همراه بهبود متغیرهای اقتصادی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، همچون طلاق و اعتیاد، منجر به کاهش جرم می‌شود.

منابع

- ابریشمی، حمید و رضائی، زکیه. (۱۳۹۴). «بررسی اثر تجربی تورم بر جرائم در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۲، شماره ۸۳، ۷۴-۴۱.
- آرمن، سید عزیز؛ فرازمنند، حسن؛ ملتفت، حسین و کفیلی، وحید. (۱۳۹۵). «جرم و همگرایی تولید سرانه: یک تحلیل مبتنی بر اقتصادسنجی فضایی»، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال پنجم، شماره ۲، ۳۴۱-۳۲۱.
- آرمن، سید عزیز؛ کفیلی، وحید؛ فرازمنند، حسن و ملتفت، حسین. (۱۳۹۶). «عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم در ایران: کاربرد انتقال ملایم پانلی»، مجله پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۷، شماره ۶۶، ۱۵۰-۱۲۵.
- پناهی، حسین و ستارستمی، همت. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه میای رشد اقتصادی و جرم: شواهدی از استان‌های ایران»، مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۵، شماره ۸۳، ۳۹۲-۲۶۳.
- خداپرست مشهدی، مهدی و غفوری ساداتیه، ماندانا. (۱۳۹۳). «بررسی ارتباط توسعه یافتگی و ارتکاب جرم در اقتصاد ایران». دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، سال ۲۱، شماره ۵، ۴۴-۲۸.
- دادگر، یداله و نظری، روح اله. (۱۳۹۵). «بررسی جرم و جنایت در ایران با استفاده از چند الگوی اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۳، ۷۸-۵۹.
- درگاهی، حسن و بیرانوند، امین. (۱۳۹۸). «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اعتیاد در ایران با تأکید بر ادوار تجاری»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، در حال چاپ.
- صادقی، حسین، شقاقی شهری، وحید و اصغرپور، حسین. (۱۳۸۴). «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، ۹۰-۶۳.
- عباسی‌نژاد، حسین؛ صادقی، مینا و رمضانی، هادی. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه جرائم اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در ایران»، مجله برنامه‌ریزی و بودجه، سال نوزدهم، شماره ۳، ۹۱-۶۹.
- لطفی، عزت اله و فیض‌پور، محمدعلی. (۱۳۹۳). «رشد صنعتی و جرم: شواهدی از استان‌های کشور طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۱، شماره ۸۰، ۶۰-۳۹.
- مداح، مجید. (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل رابطه میان نابرابری درآمدی و نرخ انواع جرم در ایران»، مجله مطالعات و سیاست‌های اقتصادی (سیاست‌های اقتصادی نامه مفید)، دوره ۷ (۱۷)، شماره ۱، ۸۴-۷۵.
- مکیان، سیدنظام‌الدین، رستمی، مجتبی و رمضانی، هانیه. (۱۳۹۷). «تحلیل رابطه بین سرقت و نابرابری درآمدی مطالعه موردی ایران رویکرد بیزین: مطالعه موردی ایران»، مجله پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۱۸، شماره ۳، ۱۴۵-۱۶۵.
- مکیان، سیدنظام‌الدین؛ رستمی، مجتبی؛ فرهادی، داوود و زایل، محمدمبین. (۱۳۹۷). «اثر نامتجانس بیکاری بر جرم در ایران: رویکرد سلسله مراتبی پنل بیزین- پواسن»، مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۷۶، ۱۳۷-۱۵۸.
- مهرآرا، محسن و محمدیان نیک پی، احسان. (۱۳۹۴). «بررسی اقتصادی جرم و اثرات سرریز بین استانی آن در ایران: یک رویکرد پنل فضایی»، مجله مدل‌سازی اقتصادی، سال ۹، شماره ۱، ۶۲-۴۳.
- مهرگان، نادر و گر شاسبی، سعید. (۱۳۹۰). «نابرابری درآمد و جرم در ایران»، مجله پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۴، ۱۲۵-۱۰۹.

- نوغانی دخت بهمنی، محسن و میرمحمدتبار، سیداحمد. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم: فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۴، شماره ۳، ۱۰۲-۸۵.
- Ackers, R., Sellers, C. (2009). *Criminological Theories: Introduction, Evaluation and Applications*, New York: Oxford University Press.
- Andresen, M. A., & Linning, S. J. (2016). "Unemployment, business cycles, and crime specialization: Canadian provinces, 1981-2009". *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 49(3), 332-35.
- Arvanites, T. M., Defina, R. H. (2006). "Business cycles and street crime". *Criminology*, 44(1), 139-164
- Bandura, Albert. (2001b). *Social Cognitive Theory of Personality*. In *Handbook of Personality: Theory and Research*, edited by Lawrence A. Pervin and Oliver P. John, 154-196. 2d ed. New York: Guilford Press.
- Becker, G. S. (1968). *Crime and punishment: An economic approach*. In *The economic dimensions of crime* (pp. 13-68). Palgrave Macmillan, London.
- Bentham, J. (1843). *Principles of Penal Law*. In: J. Bowring (ed.): *The Works of Jeremy Bentham*, Vol. 1 of 1962. Russell & Russell.
- Buonanno, P., Fergusson, L., Vargas, J. F. (2017). "The crime Kuznets curve". *Journal of Quantitative Criminology*, 33(4), 753-782.
- Bushway, S., Cook, P. J., Phillips, M. (2012). "The overall effect of the business cycle on crime". *German Economic Review*, 13(4), 436-446.
- Bushway, S., Cook, P. J., Phillips, M. (2013). "The net effect of the business cycle on crime and violence". *Economics and youth violence: Crime, disadvantage, and community*, 23-52.
- Chalfin, A., McCrary, J. (2017). "Criminal deterrence: A review of the literature". *Journal of Economic Literature*, 55(1), 5-48.
- Chalfin, A. (2015). "Economic costs of crime". *The encyclopedia of crime and punishment*, 1-12.
- Choe, J. (2008). "Income inequality and crime in the United States". *Economics Letters*, 101(1), 31-33
- Chiricos, T. G. (1987). "Rates of crime and unemployment: An analysis of aggregate research evidence". *Social Problems* 34, 187-212.
- Clinard, M. and Meier, R. (2008) *Sociology of Deviant Behavior*, New York: Thomson Wadsworth Publications.
- Cornwell, C., Trumbull, W. N. (1994). "Estimating the economic model of crime with panel data". *The Review of Economics and Statistics*, 360-366
- Costantini, M., Meco, I., Paradiso, A. (2018). "Do inequality, unemployment and deterrence affect crime over the long run?" *Regional Studies*, 52(4), 558-571.
- Czabanski, J. (2008). *Estimates of cost of crime: history, methodologies, and implications*. Springer Science & Business Media
- Detotto, C., Otranto, E. (2010). "Does crime affect economic growth?" *Kyklos*, 63(3), 330-345.
- Eide, E., Rubin, P. H., Shepherd, J. M. (2006). "Economics of crime". *Foundations and Trends in Microeconomics*, 2(3), 205-279.

- Enamorado, T., López-Calva, L. F., Rodríguez-Castelán, C., Winkler, H. (2016). "Income inequality and violent crime: Evidence from Mexico's drug war". *Journal of Development Economics*, 120, 128-143.
- Fougère, D., Kramarz, F., Pouget, J. (2009). "Youth unemployment and crime in France". *Journal of the European Economic Association*, 7(5), 909-938.
- Freeman, R. B. (1995). *The labor market*. In: J. Q. Wilson and J. Petersilia (eds.): *Crime*. pp. 171-191, Institute for Contemporary Studies.
- Gillani, S. Y. M., Rehman, H. U., Gill, A. R. (2009). "Unemployment, poverty, inflation and crime nexus: Cointegration and causality analysis of Pakistan". *Pakistan Economic and Social Review*, 79-98.
- Gould, E. D., Weinberg, B. A., Mustard, D. B. (2002). "Crime rates and local labor market opportunities in the United States: 1979-1997". *Review of Economics and Statistics*, 84(1), 45-61.
- Lanier, M. M. (2018). *Essential criminology*. Routledge.
- Kelly, M. (2000). "Inequality and crime". *Review of economics and Statistics*, 82(4), 530-539
- Lochner, L. (2004). "Education, work, and crime: A human capital approach". *International Economic Review*, 45(3), 811-843.
- Lochner, L., Moretti, E. (2004). "The effect of education on crime: Evidence from prison inmates, arrests, and self-reports". *American Economic Review*, 94(1), 155-189.
- Machin, S., Marie, O. (2011). "Crime and police resources: The street crime initiative". *Journal of the European Economic Association*, 9(4), 678-701
- Machin, S., Meghir, C. (2004). "Crime and economic incentives". *Journal of Human resources*, 39(4), 958-979.
- Mehlum, H., Miguel, E., & Torvik, R. (2006). "Poverty and crime in 19th century Germany". *Journal of Urban Economics*, 59(3), 370-388.
- Nunley, J. M., Stern, M. L., Seals, R. A., & Zietz, J. (2016). "The impact of inflation on property crime". *Contemporary Economic Policy*, 34(3), 483-499.
- Rickman, N., Witt, R. (2007). "The determinants of employee crime in the UK". *Economica*, 74(293), 161-175.
- Rosenfeld, R., Vogel, M., & McCuddy, T. (2019). "Crime and inflation in US cities". *Journal of Quantitative Criminology*, 35(1), 195-210.
- Rosenfeld, R., Levin, A. (2016). "Acquisitive crime and inflation in the United States: 1960-2012". *Journal of quantitative criminology*, 32(3), 427-447
- Siegel, L. J. (2011). *Criminology: the core*. Belmont: Wadsworth, Cengage Learning
- Soares, R. R. (2004). "Development, crime and punishment: accounting for the international differences in crime rates". *Journal of development Economics*, 73(1), 155-184.
- Tang, C. F. (2009). "The linkages among inflation, unemployment and crime rates in Malaysia". *International Journal of Economics and Management*, 3(1), 50-61
- Tang, C. F., Lean, H. H. (2007). "Will inflation increase crime rate? New evidence from bounds and modified Wald tests". *Global Crime*, 8(4), 311-323.
- Tsushima, M. (1996). "Economic structure and crime: the case of Japan". *The Journal of Socio-Economics*, 25(4), 497-515.

- Weatherburn, D. (2001). *What causes crime?* BOCSAR NSW Crime and Justice Bulletins, 11.
- Wilhite, A., Allen, W. D. (2008). "Crime, protection, and incarceration". *Journal of Economic Behavior & Organization*, 67(2), 481-494
- Witt, R., Clarke, A., Fielding, N. (1998). "Crime, earnings inequality and unemployment in England and Wales". *Applied Economics Letters*, 5(4), 265-267.
- Wu, D., Wu, Z. (2012). "Crime, inequality and unemployment in England and Wales". *Applied economics*, 44(29), 3765-3775.
- Zhang, L. (2018). *Violent Crime and Income Inequality (Doctoral dissertation, California State Polytechnic University, Pomona)*.



The Factors Affecting Property Crime in Iran With Emphasis on Business Cycles and Social Damages

Dargahi, H.^{1*}, Beiranvand, A.³

Abstract

Crime data in Iran, especially those related to property crime, have had an increasing trend since the late 2000s. The purpose of this study is to analyze the economic and social factors affecting crime based on rational choice and social structure theories. Given the limited data on crimes, the present study attempts to examine the effect of economic and social factors affecting robbery as one of the most important forms of property crime. The main difference of this study with previous empirical studies is that it investigates the effect of social variables such as addiction rates, divorce and education, as well as the effect of business cycles and government spending on crime rates. The provincial panel data method was used to estimate the research model over the period 2008-2016.

The results showed that the rate of robbery has a negative and significant relationship with economic variables such as per capita income and a positive and significant relationship with inflation and poverty and youth unemployment. Also, counter-cyclical behavior of robbery in the country has been confirmed. The findings further showed a negative and significant relationship between the rate of robbery and the ratio of government expenditure to GDP. Also, the negative relationship between the composite index of unemployment rate and education indicates the dominant effect of education in crime debate. The results of the study point to the positive and significant relationship of the prevalence rate of addiction and divorce rate with robbery. Addiction reduces the opportunity to participate in the legal labor market, and divorce can have serious social and psychological consequences.

Keywords: Addiction, Divorce, Business Cycles, Property Crime, Robbery.

JEL Classification: K42, E24, E32, K11, J64, J11.

1. Associate Professor, Department of Economics,
Shahid Beheshti University

Email: h-dargahi@sbu.ac.i

2. Ph.D Student in Economics, Department of
Economics, Shahid Beheshti University

Email: beiranvand.amin@gmail.com